

دنیا را با دیده‌ای دیگر می‌بینند، پیوسته جز با آرزوهای قلبی توجهی ندارند و سپس مقوجه میگردند که اطراف آنها را امیال، هوسها، فعالیتها، احیانا حسدها و خودخواهیهای نامحدود از هر سوی فرا گرفته و از طرفی چون با او هام شاعرانه سروکار داشته و بدینجهت از خصیصه ثبات و پایداری محروم مانده و آقدر قدرت اراده ندارد که در مقابل مشکلات زندگانی مقاومت ورزد باینجهت یاس و ناامیدی بطوری بر ارکان وجود آنها مسلط میگردد که مقدمات اختلال دماغی آنها شروع میشود.

۴ - مرض و ناخوشی شدید گاهی ممکن است سبب اختلال گردد. اطباء بهتر میتوانند تعیین کنند که درجه تأثیر این امراض در سلسله عصبی چیست و چگونه انتظام آنرا مختل میسازد

اینها هستند يك سلسله از مسائل کلی که تولید اختلال فکری میکنند.

الفبارا بانها بیاموزید

الفباء یعنی کلید بهشت، کلید بهشت را در اختیار آنها بگذارید، همینقدر رس است، دیگر کاری نداشته باشید. کسیکه کلید بهشت را بدست دارد میتواند وارد آنشود، شما کاری غیر از این ندارید که طبقات اجتماع را روشن کنید روشنی بوسیله نور دانش انجام میگیرد علم یعنی روشنی، این نور افکن قوی را تا اعماق ظلمات اجتماعی نفوذ دهید.

تاریکیها را روشن کنید و زوایای تاریک را در معرض این اشعه حیات بخش قرار دهید، کسیکه تعلیم یافت گردد رذائل نمیکردد، شجاع میشود، فکور میشود، صریح اللهجه میشود، شجاعت و تفکر و صراحت لهجه اساس فضیلت است، پس شما آنها را تعلیم بدهید، همینقدر کافیست. از آثار جرجی زیدان

راه را بانها نشان بدهید

الفباء را بانها بیاموزید، آنها را نورانی کنید چشمشان را باز کنید، راه را بانها نشان بدهید و بگذارید پیش بروند. ویکتور هوگو